حضرت امام صادق(ع):
خدا دنیا را به دوست و دشمنش عطا می‌کند ولی ایمان را فقط به کسی می‌دهد که او را دوست دارد.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

گفت‌وگو با آرش معیریان، کارگردان «بامبولک» تنها فیلم کودک در اکران نوروزی ۱۴۰۴

پدر، مادر، ما تنهاییم!

میلاد جلیل‌زاده

مخاطب روزنامه‌خوان طبیعتاً کودک خردسالی نیست که قرار است فیلمی مثل «بامبولک» را تماشا کند. حتی نام چنین فیلمی برای بزرگسالان غریب است اما اتفاقاً آنچه بچه‌ها می‌توانند دوستش داشته باشند همین است؛ شاد و رنگارنگ و موزیکال، همراه با طرح مسائل و دغدغه‌هایی که کودکان قادرند به راحتی درکش کنند. بامبولک در حقیقت سری دوم فیلم بامبالا است که البته کارگردان دیگری داشت و حالا آرش معیریان که غیر از کار کودک، بیشتر به دلیل ساخت پروژه‌های تجاری شناخته می‌شود، فیلمی برای کودکان ساخته با تکنیکی متفاوت و فضایی نزدیک‌تر به طبع و پسند و سلیقه کودکان. حتی اگر مخاطبان روزنامه‌خوان به طور طبیعی همسن و سال مخاطبان اصلی چنین فیلمی نباشند، بسیاری از آنها والدین کودکانی هستند که در دنیای وفور نامتعارف محتواهای سرگرم‌کننده، باید برای کودکان‌شان خوراک فرهنگی متناسب پیدا کنند. در نوروز امسال خیلی از خانواده‌ها به همراه فرزندان‌شان به سالن سینما رفتند اما به واقع همه این فیلم‌ها برای تماشا توسط کودکان مناسب نبود. از ۸ فیلم اکران نوروزی فقط یک فیلم متعلق به گروه سنی کودکان بود و البته یک انیمیشن که آن هم تا حدودی نسبت به سری قبلی‌اش دچار تکرار و حتی تا حدودی ضعف شده بود. این در حالی است که احتمالا باید نوروز را بهترین دوره اکران فیلم کودک دانست و در باقی ایام سال خیلی بعید است که یک‌هشتم از اکران به فیلم کودک و یک‌هشتم به انیمیشن تعلق بگیرد. شاید خیلی از ما کودکانی را دیده‌ایم که هنگام پخش آگهی‌های تلویزیونی جلوی صفحه مانیتور میخ‌کوب می‌شوند، در حالی که بزرگ‌ترها معمولاً از این آگهی‌ها بیزار هستند. این یعنی کار کودک، زیبایی‌شناسی متفاوتی با آثار مربوط به بزرگسالان دارد و طبیعتا اینکه در این مظروف چه محتوایی قرار داده شده هم بسیار بااهمیت است. وقتی صحبت از فیلم بامبولک است، قرار نیست سایر آثار کودک که در سینمای ما سال‌های اخیر ساخته شده‌اند به لحاظ فرم و محتوا نقد شوند اما مختصراً می‌شود به این اشاره کرد که گریم‌های سنگین بازیگران بزرگسال به بهانه شباهت آنها به حیوانات یا موجودات افسانه‌ای، تأثیر تربیتی خوبی روی بچه‌ها ندارد و کار درست را در دهه‌های پیش فیلمسازانی می‌کردند که از عروسک یا کودک بهره بیشتری می‌بردند. بامبولک دقیقاً همین کار را کرده است و البته از تکنیک‌های روز جلوه‌های ویژه هم بهره می‌برد. در ضمن، پیام و محتوای آن چنانکه در این گفت‌وگو کارگردان کار هم به آن اشاره کرده، ترویج فرهنگ فرزندآوری است و بنیان خانواده را برخلاف بسیاری از آثار کودک این سال‌ها دچار چالش نمی‌کند. نه کودک تک‌والدی یا بی‌کس و کاری در این فیلم می‌بینیم، نه موجودات غریبی که اساساً وجود خانواده برای‌شان موضوعیت ندارد. با آرش معیریان درباره فیلم بامبولک که جزو آثار اکران نوروزی سال ۱۴۰۴ بود گفت‌وگویی درباره این فیلم، چالش‌های ساخت و توزیع آن و شیوه تاثیرگذاری‌اش روی مخاطبان انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ آقای معیریان! اخیراً زیاد از این صحبت می‌شود که سینمای کودک در ایران مهجور واقع شده است. البته غیر از ۳-۲ ژانر و سبک مخصوص فیلمسازی، شاید درباره تمام گونه‌های فیلمسازی ایران بشود چنین حرفی را زد. مساله اما این است که ما در تاریخ سینمای خودمان تا همین چند دهه پیش آثار خاطره‌سازی در حوزه کودک سراغ داشتیم و حالا خیلی کمتر به چنین نمونه‌هایی برمی‌خوریم. به عنوان سوال اول، اجازه بدهید بپرسیم چطور شد خود شما تصمیم گرفتید سراغ ساخت چنین فیلمی بروید؟ شاید پاسخ شما به این سوال، مشخص کند که فیلمسازان ما در چه شرایطی ممکن است رغبت بیشتری برای ساخت آثار کودک پیدا کنند.

من تجربه ساخت ۴ یا ۵ فیلم کودک و نوجوان را دارم که هر کدام با لحن، جنس و فضایی خاص و متفاوت مورد توجه کودکان و نوجوانان قرار گرفته است. اما درباره فیلم «بامبولک» احساس کردم هم به لحاظ مضمون و هم به لحاظ فرم و اجرا، ما را به سمت استفاده از تکنولوژی و فناوری امروز سینما می‌کشاند. استفاده از کامپیوتر و ساخت شخصیت بامبولک به شکل ۳ بعدی و تلفیق آن با عروسک به شکل سنتی‌اش در فیلم‌های کودک و نوجوان، من را راغب کرد که این فیلم را بسازم. بخش دیگر این موضوع هم حضور تهیه‌کننده محترم و کاربلد، جناب سلامتی، بود که با همراهی و مشارکت بنیاد فارابی دست به ساخت چنین فیلمی می‌زد. قاعدتاً وقتی آدم احساس کند شرایط تولیدی به لحاظ تهیه و اجرا ایده‌آل است، هر کارگردانی عزمش جزم می‌شود که فیلمی را با مختصات بامبولک بسازد.

■ «بامبولک» غیر از فرم، از نظر محتوایی هم حال‌وهوایی متفاوت با آثار قبلی خود شما، حتی آنهایی که در حوزه کودک بودند دارد و حتی به نظر می‌رسد خواسته‌اید کمی دست به تجربه کردن بعضی چیزهای جدید بزنید؛ چه چیزی برای‌تان در این تجربه تازگی داشت؟

ببینید! در هر صورت کار برای کودک و نوجوان مختصات و مهندسی خاص خود را دارد. از آنجا که کودک و نوجوان به لحاظ روانکاوی و روانشناسی دنیای پیچیده و در عین حال ساده و معصومانه‌ای دارند، مخاطب امروز کودک از ظرافت‌های خاصی در تحلیل و آنالیز مباحث محتوایی برخوردار است. می‌توان گفت عصر حاضر کودکانی را با ما مواجه می‌کند که از هر چیزی به‌راحتی نمی‌گذرند و برای هر موضوعی نیاز به دلیل، منطق و استدلال خاص خودشان دارند. احساس کردم «بامبولک» یک تجربه متفاوت در کارنامه کاری من است. با توجه به اینکه این فیلم تقریباً حجم زیادی از حضور کودکان را در درون خود داشت، برای خودم احساس می‌کردم یک تازگی و جذابیتی دارد که می‌تواند روی پرده برای مخاطب کودک واقعاً خوش بدرخشد و جذاب باشد.

■ تعدادی از فیلم‌های کودک که در سال‌های اخیر ساخته شده‌اند با حضور جمع پرتعدادی از مشهورترین و بعضاً پول‌سازترین ستاره‌های سینما جلوی دوربین رفته‌اند، این در حالی است که چنین چهره‌هایی ممکن است برخلاف بزرگسالان، برای کودکان هیچ جذابیت خاصی نداشته باشند. شما اما از تعداد زیادی بازیگر کودک در فیلم‌تان استفاده کرده‌اید. شاید کار با بازیگران کودک سخت‌تر از کار با هنرپیشه‌های حرفه‌ای باشد. بازیگران‌تان را چطور انتخاب کردید و با چه شیوه‌ای به بازی مطلوب رسیدید؟

ما در یک مدت زمان تقریباً یک‌ماهه چیزی حدود ۴۶۰ کودک را دیدیم و تست کردیم. به هر کدام از آنها بنا به توانایی‌هایی که داشتند نمره‌های خاصی دادیم و مورد ارزیابی قرار دادیم. از بین آنها به یک طبقه‌بندی سه‌گانه رسیدیم. دسته اول را به ۲ کودک اصلی فیلم اختصاص دادیم، دسته دوم شامل کودکان فرعی‌تری بود که توانایی بازی و حضورشان به لحاظ اجرا و پرفورمنس نمره خوبی داشت، و دسته سوم شامل کسانی بودند که ویژگی‌های ظاهری و اجرایی خوبی داشتند اما به لحاظ توانایی در مرتبه پایین‌تری بودند. از بین ۴۶۰ کودکی که دیدیم، حدود ۶۰ نفر را انتخاب کردیم و در جای‌جای فیلم از آنها استفاده کردیم. نکته‌ای که باید به آن توجه می‌کردیم این بود که بچه‌ها به لحاظ ظاهر، فیزیک و جثه باید از قابلیت‌های جذاب و در عین حال ساده و معصومانه و کودکانه برخوردار می‌بودند. همچنین باید قابلیت و توانایی بازی را در آنها می‌دیدیم تا بتوانیم از آنها برای بازی در جلوی دوربین استفاده کنیم. نکته مهم‌تر این بود که ما فیلم را در اوج گرمای تابستان کار کردیم و قطعاً طاقت و تحمل و انگیزه بچه‌ها برای حضور باید مورد ملاک قرار می‌گرفت تا کار تولید با اختلال مواجه نشود. خوشبختانه به یمن حضور گروه زبده کارگردانی و دوستی که در بخش انتخاب بازیگر کودک و هدایت آنها در کنار گروه کارگردانی حضور داشت، فکر می‌کنم انتخاب‌های خوبی انجام دادیم. وقتی نتیجه را روی پرده می‌بینیم، می‌توان گفت تقریباً همه کارشان را به درستی انجام داده‌اند. البته سختی‌هایی هم وجود داشته و دارد. کودک برخلاف بازیگر حرفه‌ای بزرگسال باید با نوعی تدبیر و درایت و نگاه ویژه برای ایفای نقش در جلوی دوربین آماده شود. آن مهندسی خاص که لازم است بهترین حضور جلوی دوربین رقم بخورد، درباره کودکان به‌شدت و با دقت لحاظ می‌شد تا خروجی خوبی رقم بخورد. من از این بابت از گروه عزیز کارگردانی تشکر می‌کنم که همراهی خوبی داشتند و با یک مدیریت خلاقانه و پرانرژی توانستند من را برای ساخت فیلم همراهی کنند.

■ یکی از ویژگی‌های برجسته و مهم در فیلم‌های مربوط به کودکان، فضای فانتزی و رنگارنگ آنهاست. احتمالا همه این مسائل را خود شما به تنهایی انجام ندادید و تیم یا طراحانی پشت این فضا بودند. به نظر می‌رسد طراحی این فضا در فیلم شما بخوبی شکل گرفت. از چه روش‌هایی برای رسیدن به این فرم استفاده کردید و چه کسانی شما را کمک کردند؟

طراحی صحنه و لباس بر عهده دوست عزیزی بود که سال‌ها تجربه همکاری مشترک با ایشان را داشتم و می‌توانم بگویم از ابتدای کار، از همان پیش‌تولید، نهایت دقت را در انتخاب رنگ و نوع لباس و پوشش بچه‌ها به خرج داده بود. زبان مشترکی بین بنده و طراح صحنه و لباس وجود داشت که تلاش کردیم هم در صحنه فیلمبرداری و هم در مرحله تصحیح رنگ، بخوبی برای هارمونی فضا که قابل پذیرش و توجه کودک باشد، لحاظ شود. بدون شک، فیلم کودک به دلیل اینکه در نخستین مواجهه، بیش از هر چیز، نیاز به رنگ و لعاب و جزئیات و ترکیب زیبایی‌شناختی رنگی دارد، باید این ویژگی‌ها را در خود داشته باشد تا نخستین گام‌های ارتباط با مخاطب کودک را بردارد. در بخش تولید هم مسؤول تصحیح رنگ پس از چندین و چند بار ویرایش و تصحیح و تغییر در ترکیب رنگی، بالاخره به یک نسخه از فیلم رسید که نسخه نهایی شد. وقتی نتیجه را برای نخستین بار روی پرده دیدیم، احساس کردیم آنچه مدنظر بوده از ابتدا بخوبی در فیلم توسط طراح صحنه و لباس لحاظ شده است.

■ خیلی وقت است که در سینمای ایران کار ساخت فیلم‌های موزیکال، کساد و کمرنگ شده است. این در حالی است که کودکان با دیالوگ‌های ریتمیک و شعرگونه بیشتر از مدل معمول گفتاری ارتباط برقرار می‌کنند. شما آیا از همان ابتدا تصمیم داشتید فیلم موزیکال بسازید یا بعداً نتیجه گرفتید که بهتر است قصه را این‌طور روایت کنید؟

درباره استفاده از موسیقی و کلام موزون در فیلم، ما مثل هر فیلم کودک و نوجوان دیگری به ضرورت حضور یک آهنگساز خلاق و موسیقی‌ای که در عین شادی و ریتمیک بودن، از فضای سطحی و نازل موسیقی دور باشد، توجه کردیم. با آقای مرتضی شفیعی، آهنگساز خلاق و با انرژی، که من دومین افتخار همکاری با ایشان را داشتم، صحبت و مذاکره کردیم. به این نتیجه رسیدیم بخش عمده‌ای از دیالوگ‌هایی که بین شخصیت نعنا و کاراکتر بامبولک اتفاق می‌افتد، باید به نوعی از گفتار تبدیل شود که هم برخوردار از سازهای سنتی ایرانی باشد و هم با شادی و حال خوب و ریتمیک بودن در آوا و کلام، ارتباط بهتری برای مخاطب کودک رقم بزند. به همین دلیل، از حضور خانم ساغر مختاری، استاد شعر که تجربه فراوانی در نگارش متون کودکان و سرایش اشعار برای آنها دارند، بهره‌مند شدیم. ایشان دیالوگ‌ها را تبدیل به شعر کردند و تعامل بسیار خوبی بین آهنگساز و شاعر اتفاق افتاد. ما توانستیم برای صحنه‌هایی که بین نعنا و بامبولک مشترک است، به یک لحن و گویش خاص برسیم که با گویش بقیه شخصیت‌ها متفاوت باشد و این تأثیر بیشتری در ذهن مخاطب بگذارد و ماندگاری بهتری پیدا کند. به همین دلیل، حال و هوای موسیقی که شما در فیلم می‌بینید، هم در کلام و گفتار هست و هم در اتمسفر و فضای فیلم. این موسیقی باید تا حدودی از جنس توصیفی برخوردار می‌بود تا تعلیق‌ها و غافلگیری‌های مختلف را همگام با ریتم دراماتیک حفظ کند. به نظر من، الان که فیلم را می‌بینیم، احساس می‌کنم فضای موسیقی بخوبی با فضای فیلم تلفیق شده و طوری نیست که بخواهد جدای از روند و رویکرد فیلم حرکت کند.

■ خیلی واضح و مشخص است که مخاطب فیلم شما کودکان هستند اما عملاً مساله‌ای در حال طرح شدن است که به طور طبیعی مخاطب اصلی آن باید بزرگسالان باشند. آیا روی مدل‌سازی ذهنی مخاطب کودک، برای وقتی که بزرگسال می‌شود حساب کردید یا فکر می‌کردید بزرگ‌ترها هم همراه بچه‌های‌شان فیلم را می‌بینند و روی ذهن‌شان اثر می‌گذارد؟

پیام اصلی فیلم «بامبولک» ترویج فرهنگ فرزندآوری است. ما تلاش کردیم با نگارش‌های متعدد در ورژن‌های مختلف، این موضوع را به دو شکل مختلف و از ۲ کانال مختلف در فیلم مطرح کنیم. یکی از طریق بیان خواسته‌های کودک که تمایل به داشتن خواهر یا برادر دارد، برای دور شدن از دنیای منزوی و تنهایی، و دیگری ورود به این مساله از طریق دنیای بزرگسالان، یعنی پدران و مادرها. اگر دقت کنیم، می‌بینیم که موازات تمنای نعنا برای داشتن کسی مثل خواهر یا برادر که خلأ تنهایی‌اش را پر کند، دنیای بزرگسالان را هم به طور سایه‌وار بررسی می‌کنیم. دغدغه هر پدر و مادری تأمین آسایش و پرورش فرزندی است که در راه دارد. در فیلم، ما شاهد این هستیم که پدر و مادر نعنا هم دغدغه‌ها و مسائلی دارند که مانع داشتن فرزند دوم می‌شود. در طول فیلم، وقتی به‌تدریج احساس می‌کنند که هم به لحاظ موقعیت و هم به لحاظ روحی و روانی شرایط مهیاست، این نوید را به نعنا می‌دهند که فرزندی به عنوان خواهر یا برادر در کنار او وجود خواهد داشت. توجه داشته باشیم که فیلم کودک و نوجوان باید هم ریتم تندی داشته باشد و هم در یک محدوده زمانی خیلی کوتاه‌تر نسبت به فیلم‌های سینمایی برای بزرگسال، حرف خودش را بزند. این فشرده شدن و انتقال درست پیام که هم بر دل مخاطب بزرگسال بنشیند و هم در ذهن مخاطب کودک جا باز کند، کار ساده‌ای نبوده و نیست. به همین دلیل، ما واقعاً ۵ یا ۶ بار فیلمنامه را بازنویسی کردیم و نویسنده محترم ما، آقای امیرمحمد عبدی، به دفعات و به کرات پذیرای بازنویسی‌ها بودند و نهایتاً به نسخه‌ای از فیلمنامه رسیدیم که احساس کردیم قابل اجرا است.

■ بیان چنین مساله یا پیامی برای کودکان اساسا کار درستی است؟ مطرح کردن بحث فرزندآوری در دنیای کودکان مقداری چالش‌برانگیز نیست؟

به عنوان کارگردان، هر فیلمی که می‌سازید، قطعاً برای خودتان یکسری معادلات و اصول در نظر می‌گیرید و در تلاشید که آنها را به بهترین نحو رعایت کنید تا نتیجه خوبی بگیرید. حالا که فیلم «بامبولک» را می‌بینم و بازخوردهای کودکان و خانواده‌ها را دریافت می‌کنم، احساس می‌کنم واقعاً به تمام خواسته‌های‌مان درباره ساخت این فیلم رسیده‌ایم و جواب خوبی هم گرفتیم. الحمدلله، وقتی بازخوردها را می‌خوانم و می‌شنوم، می‌بینم که هیچ واکنش منفی یا نقد منفی نسبت به فیلم وجود ندارد. نکته‌ای که خیلی نظر شخصی من را جلب کرده، این است که بحث فرزندآوری می‌تواند در برخی شاخه‌ها ناخواسته به سمتی برود که از معیارهای ذهنی و اخلاقی کودک فاصله بگیرد. به همین دلیل، این موضوع کاملاً لب‌مرزی است اما وقتی بازخوردها را می‌خوانم، می‌بینم اکثر افراد اشاره کرده‌اند که فیلم به‌طور ظریف به این مساله پرداخته و هم مخاطب کودک و هم بزرگسال به پیام فیلم نائل می‌شوند اما به‌صورت تلویحی و ظریف متوجه پیام فیلم می‌شوند. این کارکرد و تأثیر تبلیغاتی خوبی در ذهن مخاطب می‌گذارد. دنیای کودکان دنیای پیچیده‌ای است بویژه در عصر حاضر، حضور مشاوران روانشناسی و روانکاوان کودک تأثیر مهمی در روایت، ساختار و فضای بصری فیلم دارد. ما تلاش کردیم نسبت به حضور چنین فردی بی‌تفاوت نباشیم و از نقد و نظر کسی که در این حوزه به‌شدت کارآمد است، استفاده کنیم. در نهایت، وقتی فیلم تمام شد و با حضور مشاور روانشناسی کودک نتیجه را بررسی کردیم، دیدیم نتیجه مورد قبول است و تقریباً بی‌خطا حرکت کرده‌ایم. این نکته برای ما بسیار ارزشمند است و نشان‌دهنده دقت و توجه ما به جزئیات و نیازهای مخاطب کودک است.

■ پس شما فیلم را برای خانواده‌ها ساختید نه یک طیف سنی یا فکری خاص. البته در سینمای ما رده‌بندی سنی به درستی رعایت نمی‌شود اما به طور کل هر فیلمی را نمی‌شود با خیال راحت همراه خانواده تماشا کرد.

احساس می‌کنم در دنیای کنونی، فضای فیلم و سینما نیاز به طبقه‌بندی دقیق‌تری دارد. این حق مسلم خانواده‌هاست که وقتی تصمیم می‌گیرند به تماشای فیلمی بروند، خیال‌شان راحت باشد که آیا این فیلم با رده سنی کودک یا نوجوان‌شان همخوانی دارد یا خیر. متأسفانه، در شیوه نمایش و تبلیغ فیلم‌ها، این نکته معمولاً در نظر گرفته نمی‌شود و رده سنی مخاطبان به سینماروها اطلاع داده نمی‌شود. این دغدغه‌ای است که بسیاری از خانواده‌ها دارند. وقتی آنها پای‌شان را به سالن سینما می‌گذارند و با خانواده‌شان برای تماشای فیلم می‌روند، همیشه نگران این هستند که آیا این فیلم مناسب آنها و فرزندان‌شان هست یا خیر. درباره فیلم «بامبولک»، می‌خواهم بگویم این فیلم به‌شدت وفادارانه و صادقانه برای طیفی از مخاطبان طراحی شده است که می‌توانند با خیال آسوده آن را در کنار عزیزان‌شان، خردسالان و فرزندان کودک و نوجوان و حتی مخاطبان میانسال تماشا کنند.

هر کدام از طیف‌های سنی مختلف بدون هیچ‌گونه بازخورد منفی می‌توانند با فیلم ارتباط برقرار کنند. از این بابت، می‌توانم با اطمینان بگویم فیلم «بامبولک» به‌شدت سالم و سلامت است و هیچ‌گونه نگرانی برای خانواده‌ها وجود ندارد که خدای نکرده با معیارهای ذهنی‌شان ناهمخوان باشد. این نکته بسیار مهمی است که باید به آن توجه شود تا خانواده‌ها با آرامش خاطر به تماشای فیلم‌ها بروند.

■ غیر از کمدی‌های اصطلاحا بفروش که مشخصات خاصی دارند، تقریبا همه فیلمسازان ایرانی که در هر ژانری کار می‌کنند، از وضعیت اکران تبلیغات و تعداد سانس‌هایی که به آنها تعلق می‌گیرد، ناراضی هستند. البته ظرفیت جذب مخاطب در فیلم کودک از بعضی جهات بیشتر به نظر می‌رسد اما مهم این است که فیلم بتواند خود را به مخاطب هدفش برساند. آیا نهادها و موسساتی که در این زمینه امکاناتی دارند و وظایفی هم بر عهده آنها هست، با شما در زمینه نمایش بهتر فیلم همکاری داشته‌اند و آیا از این همکاری‌ها راضی هستید؟

متأسفانه این حرف من تکراری است اما سینمای کودک و نوجوان در کشور ما به سینمایی غریب، مهجور و دور افتاده تبدیل شده است. با وجود لطفی که سازمان صداوسیما برای تبلیغ و اطلاع‌رسانی فیلم در رسانه ملی انجام داده و همتی که موسسه محترم بهمن سبز برای ترویج دیدن فیلم توسط کودکان و نوجوانان و والدین‌شان داشته، متأسفانه سالن‌های سینما به لحاظ آماری اگرچه تعداد زیادی سالن به فیلم اختصاص داده‌اند، اما عملاً سانس‌ها و تعداد سانس‌هایی که به فیلم کودک اختصاص داده می‌شود، واقعاً ناچیز است. سالن‌هایی که برای نمایش فیلم «بامبولک» در نظر گرفته شده، عمدتاً سانس‌های مرده و کم‌رونق هستند و در ساعاتی نمایش داده می‌شوند که بچه‌ها در مدرسه هستند یا در حال استراحتند. این ساعات مناسب برای دیده شدن توسط والدین نیست. هرچقدر هم که تبلیغ شود، از آنجا که ساعاتی که برای نمایش فیلم در نظر گرفته شده، امکان دیده شدن را توسط خانواده‌ها فراهم نمی‌کند، این موضوع به‌شدت بر میزان فروش فیلم تأثیرگذار بوده است. من همیشه بر این نکته تأکید کرده‌ام که لازم است برای سینمای کودک، سالن‌های خاصی در هر مجتمع سینمایی در نظر گرفته شود تا هر فیلم کودک به یک سالن اختصاصی با طراحی و دیزاین ایده‌آل و جذاب برای کودکان دسترسی داشته باشد. تا زمانی که این اتفاق نیفتد، حق نمایش فیلم کودک توسط فیلم‌هایی که از استقبال بالاتری برخوردارند، خورده می‌شود. نکته بعدی این است که ما نهادها و سازمان‌هایی مانند سازمان فرهنگی - هنری شهرداری و وزارت آموزش‌وپرورش داریم که وظیفه دارند به دغدغه‌های فرهنگی و هنری کودکان توجه بیشتری داشته باشند. تا جایی که اطلاع دارم، وزارت آموزش‌وپرورش هیاتی دارد که تصمیم می‌گیرد چه فیلمی مورد توجه دانش‌آموزان قرار بگیرد. متأسفانه، فیلم «بامبولک» در این هیات مردود شده است، در حالی که این فیلم تمام مختصات کودک و نوجوان را دارد و موفق به کسب جوایز در جشنواره‌های کودک و نوجوان شده است. از طرف دیگر، در فضای تبلیغات شهری، در کلان‌شهری مانند تهران و شهرستان‌های بزرگ، انواع و اقسام تبلیغات برای کالاهای مختلف وجود دارد اما فیلم کودک که می‌تواند سطح فکری و فرهنگی کودک را ارتقا دهد، هیچ جایی برای تبلیغ در فضای شهری ندارد. هیچ ارگانی هم پا پیش نمی‌گذارد تا فیلم‌های کودکان حداقل اطلاع‌رسانی خوبی در فضای شهری داشته باشند. این موضوع واقعاً جای سؤال دارد و تأثیر بسزایی در میزان دیده شدن فیلم‌ها توسط خانواده‌ها دارد.

■ در همین شرایط موجود آیا نمی‌شود حداکثر تلاش ممکن را برای تبلیغ و توزیع فیلم کودک انجام داد؟ خیلی از همکاران شما به خاطر وجود چنین مشکلاتی اساسا از ورود به این وادی اجتناب می‌کنند و همین خود به آفت بزرگی تبدیل شده است.

وجود یک موسسه پخش‌کننده خوب که در سراسر ایران با تبلیغات مؤثر و برگزاری کمپین‌ها و مراسم اکران‌های مردمی برای کودکان تلاش می‌کند، واقعاً ارزشمند است. امیدوارم این روند تا پایان اکران فیلم ادامه داشته باشد و آنها دلسرد نشوند. همچنین فراموش نکنیم برخی شهرهای ما هنوز از سالن‌های سینما بی‌بهره‌اند، با وجود اینکه نمایندگی‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان وجود دارد و این نهاد هم تعدادی سالن سینما دارد. همچنین، قابلیت‌های نمایش فیلم به شکل سیار در شهرستان‌ها وجود دارد. کودکان و نوجوانان کشور ما فقط مختص به شهر تهران یا کلان‌شهرها نیستند. در نقاط دورافتاده هم کودکانی هستند که دنیای زیبای لطیف و جذابی دارند و استعدادهای آینده مملکت ما هستند. اگر فکر کنیم که فقط باید در کلان‌شهرها فیلم کودک نمایش داده شود، مغفول می‌مانیم از اینکه چه بسیارند کودکان و نوجوانانی که در نقاط دورافتاده، آینده‌سازان مملکت ما هستند. نمایش سیار فیلم‌ها در این مناطق می‌تواند تأثیر بسزایی در ذهن کودکان و نوجوانان داشته باشد و این اتفاق می‌تواند بخوبی رقم بخورد.

به عبارت دیگران

وقتی فرمانده نیروی زمینی ناراحت شد...

تقی دژاکام

[شهید صیاد شیرازی] پول تلفن‌هایی که به خانواده‌اش و دوست‌هایش می‌کرد را می‌داد. دفتری داشتیم که وقتی شماره‌ای را برای کار شخصی‌اش می‌گرفتیم و وصل می‌کردیم، مدت زمان صحبت را با دقیقه و ثانیه در آن می‌نوشتیم. آخر ماه حساب می‌کردیم و تیمسار پولش را می‌داد.

زمانی که خانه‌اش را می‌ساختند، فکر کنم آن موقع فرمانده نیروی زمینی بود، از نیرو یک وانت گرفته بودند برای جابه‌جا کردن گچ و سیمان و این‌طور کارها. وقتی تیمسار فهمیده بود، کلی از دست دوست‌هایش ناراحت شده بود. پرسیده بود که چند بار نیسان آمده و رفته برای این کارها؟ کرایه وانت، بیرون چقدر است و چقدر بنزین مصرف کرده؟ همه را حساب کرده بود و پولش را به حساب نیروی زمینی ریخته بود.

فاطمه غفاری
خدا می‌خواست زنده بمانی
کتاب علی صیاد شیرازی
انتشارات روایت فتح
صفحه ۲۰۰

خبر

مهران مدیری به تلویزیون بازمی‌گردد

مهدی نقویان، رئیس مرکز سیمافیلم در گفت‌وگوی ویژه عید نوروز با خبرنگار تسنیم رسما اعلام کرده بود مهران مدیری یکی از گزینه‌های محتمل برای همکاری با تلویزیون است. او حتی ابراز امیدواری کرد در آینده نزدیک شاهد پروژه‌های جدید و جذابی از این هنرمند و برخی چهره‌های محبوب دیگر باشیم.

پس از این گفت‌وگو، خبرهای دیگری در فضای مجازی دست به دست شد که نشان می‌داد حضور دوباره مهران مدیری در تلویزیون نامحتمل نیست. حالا تسنیم در گزارشی جدید عنوان کرده پیش‌تولید سریال تازه مهران مدیری در تلویزیون آغاز شده و حتی عنوان می‌شود این سریال در تلاش است خودش را به کنداکتور پاییز تلویزیون برساند.

یکی دیگر از جزئیات خبر تسنیم این است که این سریال تلویزیونی، طنز متفاوتی از مهران مدیری است و نه شبیه به کارهای قدیمی او در تلویزیون است و نه شباهتی به کارهای اخیر او در شبکه نمایش خانگی دارد.

مهران مدیری که از دوران کودکی و نوجوانی وارد فضای تئاتر شده بود، کار حرفه‌ای و رسمی خود را سال ۱۳۶۸ با سازمان صداوسیما آغاز کرد. او ابتدا به مدت ۶ سال در داستان شب به گویندگی پرداخت و در اواخر این فعالیت، سال ۱۳۷۲ به همراه داریوش کاردان نخستین برنامه طنز خود را برای نوروز ساخت.

مدیری بین سال‌های ۸۸ تا ۹۲ یک‌بار از تلویزیون جدا شد اما در آخرین لحظات سال ۹۲ در شبکه ۳ سیما در برنامه «۳ ستاره» که او را نامزد دریافت بهترین بازیگر نقش اول مرد در سریال‌های «شب‌های برره» و «مرد هزارچهره» کرده بود حاضر شد و بعد از ۶ سال دوری از تلویزیون دوباره به همین قاب برگشت و عنوان کرد در اوایل سال ۹۳ به تلویزیون بازمی‌گردد.

او پس از ساخت چند قسمت سریال و چند سری از برنامه «دورهمی» مجددا از تلویزیون جدا شد و حالا در شرایطی که کمترین حدسی برای بازگشت مجددش به این محیط وجود نداشت، دوباره عنوان می‌شود در حال بازگشت است.

مدیری در فضای خارج از تلویزیون کارهای متعددی انجام داد که به جز سریال «هیولا» اکثر آنها به موفقیت کارهایی که در تلویزیون انجام داده بود نرسیدند و حتی سریال هیولا هم بیشتر توسط کسانی دیده شد که کاربران حرفه‌ای اینترنت هستند و از پلتفرم‌های مجازی استفاده می‌کنند.